

هوالبهی

هندوستان

جناب حاجی احمد من اهل کازران علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ای ناظر بملکوت الهی چندیست که از آن صفحات نفحات قدسی بمشام این مشتاقان نرسیده و پرتوی از اشعه ساطعه محبت الله از مطلع آمال ندمیده صبر و سکونست و وقار و تمکین در کلّ شئون صبر و تمکین میوه شیرین دارد جز در نشر نفحات الله و تائی و سکون محبوب جز در محبت جمال مقصود پس ای مخمور جام سرشار صهای محبت الله جوش و خروشی کن و شعله و شوری درافکن آتشی بقلوب افسرده بزن و نسیمی حیاتبخش از مهبّ عنایت بجو شجری باثمر شو و کوکبی باهر در افق انور گرد این ایام فانی بگذرد و این عمر بی‌ثمر منتهی شود عاقبت این نهار لیل ظلمانیست و پایان این مجموعی پریشانی و نهایت این توانگری بی سر و سامانی پس تا در این قنديل روغنیست و در این عنصر ضعیف قوتی جهدی بلیغ لازم که در زجاجه موهبت افروزد و در مشکات عنایت بسوزد و این جسد عنصری بقوت روحانی حمل ثقل اعظم نماید و این ثقل عظیم بلایای سیل الهیست چون روح بشارات الهی مستبشر گردد این جسم نحیف و جسد ضعیف در نهایت راحت این ثقل را عین خفت یابد بلکه متلدّد و متنعم گردد و نشو و نما یابد و تأثیر نماند و برهان اعظم این مدّعا آنکه بلایا و محن و رزایاء سرّ و علن و مشقات و زحمات و مصیبات گوناگون که بر این عباد از سنّ رضیعی تا بحال وارد اگر بر جبل حدید نازل میشد البتّه مضمحل و نابود میگشت با وجود این الحمد لله در نهایت مکانت مقاومت شد و حال آنکه نحافت جسم در غایت ضعفیت است پس جسم نیز تابع روحست و ظاهر عنوان باطن پس تا توانی کاری کن و چارهائی بنما که در جمیع احوال مشتعّل و متحرّک و مستبشر باشی

عبدالبهاء ع